

کشف و توصیف انواع تلویح در فارسی محاوره‌ای با توجه به فرهنگ فارسی‌زبانان تهران

سهیل روزبه^۱ فردوس آقاگل‌زاده^۲ * حیات عامری^۳

(تاریخ دریافت: ۹۶/۶/۸، تاریخ پذیرش: ۹۶/۹/۲۰)

چکیده

در زبان فارسی تلویح نقش مهمی در گفتمان دارد، همچنین استنباط آن از طرف شنونده بسیار مهم است. هدف از این تحقیق تحلیل داده‌های زبان فارسی با توجه به فرهنگ فارسی‌زبانان تهران و طبقه‌بندی انواع تلویح براساس رویکردهای مختلف است. مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که سخنگویان فارسی‌زبان پیام موردنظر گوینده را چگونه استنباط می‌کنند. این پژوهش با توجه به موضوع مقاله مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی است که داده‌ها به روش میدانی از مکالمات روزمره مردم عادی کوچه و خیابان شهر تهران به دست آمده است. برای به دست آوردن و استخراج جملات تلویحی، ۵۰ ساعت از مکالمه های فارسی‌زبانان در ۱۳ موقعیت متفاوت ضبط و ثبت شده است. جملات حاوی تلویح بعد از استخراج، طبقه‌بندی و براساس فرضیه‌های تحقیق از نظر کیفی توصیف و تحلیل شده‌اند. دستاورد تحقیق نشان می‌دهد که تلویح در ارتباطات و تعاملات فارسی‌زبانان در قالب معنای تلویحی به صورت تلویح مکالمه‌ای عام، تلویح سنجشی، تلویح مکالمه‌ای خاص و تلویح قراردادی بازنمایی می‌شود و همچنین ساخت‌های دستوری همچون جملات شرطی و ساخت پرسش‌های توضیحی می‌تواند با پیش فرض

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران.

۲. استاد زبان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس. (نویسنده مسئول).

aghagolz@modares.ac.ir

۳. استادیار زبان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس.

موارد خاص در به وجود آوردن متون دارای معانی تلویحی تأثیرگذار باشد. در پایان به این نتیجه رسیدیم که بافت موقعیت و فرهنگ عامل بسیار تعیین کننده و مؤثری در تحلیل مکالمات بودند؛ زیرا معانی و تفاسیر در بافت موقعیت قابل دستیابی است. **واژه‌های کلیدی:** کاربردشناسی، تلویح مکالمه‌ای، تلویح سنجشی، تلویح قراردادی، اصول همکاری.

۱. مقدمه

مکالمه^۱ مهم‌ترین و اساسی‌ترین وسیله زبانی جهت پیشبرد امور انسانی است. گفتار را باید در یک بافت اجتماعی بررسی کرد؛ زیرا بافت اجتماعی مقصود شرکت‌کنندگان در هر مکالمه و ساختار آن را تعیین می‌کند. اگرچه بیشتر افراد از اصول و قواعد حاکم بر مکالمه بی‌اطلاع هستند؛ اما در طول روز با استفاده از آن‌ها در مکان‌ها و موقعیت‌های مختلف با یکدیگر مکالمه می‌کنند و از این طریق مفاهیم مختلفی را به یکدیگر انتقال می‌دهند. زمانی که گرایس^۲ (۱۹۷۵) واژه مکالمه را به کار می‌برد، منظورش بسیار فراتر از چیزی بود که در کاربرد متعارف از این واژه مراد است. منظور او از مکالمه همه کنش‌های جمعی انسان در تعامل است. گرایس به این حقیقت واقف و معترف بود که همه مکالمات از اصول همکاری و راهکارهای چهارگانه تبعیت نمی‌کند و نقض عامدانه این اصل و راهکارهای مشتمل بر آن به تلویح می‌انجامد. از آنجاکه این پژوهش از دیدگاه کاربردشناسی^۳ زبان پیرامون کشف و توصیف انواع تلویح و معانی تلویحی در فارسی محاوره‌ای انجام می‌شود، ضروری است که به مقدمه‌ای کوتاه درباره کاربردشناسی بپردازیم.

کاربردشناسی شاخه‌ای از علم زبان‌شناسی است که به مطالعه معنای مورد نظر گوینده (یا نویسنده) و تعبیر و تفسیر آن توسط شنونده (یا خواننده) می‌پردازد. در کاربردشناسی بیشتر به تحلیل منظور افراد از پاره‌گفتارها توجه می‌شود تا به معنای معناشناختی واژه‌ها و عبارت‌ها. به عبارت دیگر کاربردشناسی مطالعه منظور و مقصود گوینده است (گرین، ۱۹۹۶: ۳۵). همچنین تلویح یکی از ویژگی‌های کاربردشناسی است. تلویح پیام پاره‌گفتار یا جمله است که بیش از معنای معناشناسی است و گوینده از شنونده انتظار دارد با مراجعه به دانش پیش‌زمینه آن را دریافت کند. حتی جملاتی که به

ظاهر از نظر منطقی فاقد معنی هستند، مانند «کودک کودک است»، نیز دارای پیام یا معنای تلویحی هستند و گوینده می‌خواهد پیامی را منتقل کند که بیشتر از صورت زبانی به‌کاررفته در جمله است (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۲: ۶۸).

هنگام توصیف زبان نباید فقط به صورت و ساخت آن توجه شود، بلکه باید نقش یا کارکردهای اجتماعی زبان نیز مورد توجه قرار گیرد. همچنین در همه جملات زبان نمی‌توان با استفاده از معناشناسی به معنای و مفهوم گوینده پی‌برد و قوانین و اشکال زبانی و همچنین جامعه و فرهنگی که در آن زندگی می‌کنیم برای درک کامل جملات ضروری است. مسئله‌ای که وجود دارد این است که سخنگویان فارسی‌زبان پیام موردنظر گوینده را از میان پیام‌های احتمالی پاره‌گفتارها چگونه استنباط می‌کنند. هدف از پژوهش حاضر تحلیل داده‌های زبان فارسی و طبقه‌بندی انواع تلویح براساس رویکردهای مختلف است. این مقاله تلاش دارد جهت پرکردن این خلأ تحقیقاتی به این سوالات پاسخ دهد: ۱. انواع معنای تلویحی در زبان فارسی محاوره‌ای چگونه بازنمایی می‌شود؟ ۲. چه ساخت‌های دستوری می‌تواند در به‌وجود آوردن تلویح^۵ در زبان فارسی محاوره‌ای تأثیرگذار باشد؟ فرضیات تحقیق حاضر بدین شرح است: ۱. معنای تلویحی در زبان فارسی محاوره‌ای به صورت تلویح مکالمه‌ای عام^۶ تلویح سنجشی^۷ تلویح مکالمه‌ای خاص^۸ و تلویح قراردادی^۹ بازنمایی می‌شود. ۲. ساخت‌های دستوری همچون جملات شرطی و ساخت پرسش‌های توضیحی^{۱۰} می‌تواند در به‌وجود آوردن بافت دارای معنای تلویحی تأثیرگذار باشد.

مقاله حاضر در پنج بخش تنظیم شده است. بخش اول مقدمه حاضر است که در آن به اهمیت، هدف، نوآوری و پرسش‌های اصلی پژوهش پرداخته شده است. در بخش دوم به پیشینه پژوهش و بخش سوم به مبانی نظری و روش‌شناسی تحقیق اختصاص دارد. بخش چهارم به تحلیل داده‌ها و درنهایت در بخش آخر به بحث و نتیجه‌گیری خواهیم پرداخت.

۲. پیشینه پژوهش

پیشینه مربوط به تلویح و کاربردشناسی، در دو بخش مطالعات پژوهشگران ایرانی و غیرایرانی قابل بررسی است. در بخش مطالعات پژوهشگران ایرانی می‌توان به صورت خلاصه به برخی آثار اشاره کرد:

در پایان‌نامه‌های پیمانی (۱۳۷۶)، پاکروان (۱۳۸۳) و عظیما (۱۳۹۱) اصول ادب لیچ^{۱۱} بررسی شده است که استفاده از راهکارهای تأیید، شکسته‌نفسی، توافق، همدردی، کنایه و متلک توسط سخنگویان زبان به معنای ضمنی منجر می‌شود.

خیرآبادی (۱۳۹۱) در مقاله‌اش به این نتیجه رسید که نقض اصول همکاری^{۱۲} گرایش به ویژگی‌های کمیت و ارتباط سبب ایجاد موقعیت طنز می‌شود که طنز هم می‌تواند نوعی تلویح‌گویی باشد و با پژوهش حاضر مرتبط است. همچنین عظیما (۱۳۹۱) به معنای ضمنی گفتار می‌پردازد و وجهه را از دیدگاه بروان و لوینسون بررسی می‌کند. وی به این نتیجه می‌رسد که هرچه گروه نامتقارن‌تر باشد، یعنی از نظر سنی و فرهنگی با هم فاصله داشته باشند، به دلیل وجود قدرت و احترام بین طرفین در مکالمه سخنگویان از بیان مستقیم خودداری می‌کنند و با رعایت کنش حافظ وجهه^{۱۳} و رعایت اصل ادب سخنان خود را به طور تلویحی بیان می‌کنند. البته وی در این پژوهش، با توجه به بررسی‌های انجام‌شده به این نتیجه نرسید و مشخص شد که هرچه افراد از یک گروه سنی و یک رشته تحصیلی باشند (برای مثال در خوابگاه دانشجویی) بیشتر از غیرمستقیم‌گویی پیروی می‌کنند و در جملاتشان تلویحات بیشتر به چشم می‌خورد. همچنین حبیبی (۱۳۹۳) در پایان‌نامه خود رابطه میان صراحت و پوشیدگی کلام را با توجه به متغیرهای جنسیت و تحصیلات بررسی می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که صراحت‌گویی در کلام مردان بیشتر از زنان است. شباهت این تحقیق با پژوهش حاضر در این است که نقض چهار راهکار کیفیت^{۱۴} (صداقت و حقیقت‌گویی)، کمیت^{۱۵} (به اندازه کافی سخن گفتن)، ارتباط^{۱۶} (مربوط‌گویی) و شیوه بیان^{۱۷} (روشن، منظم و موجزگویی) سبب به وجود آمدن معنای ثانویه می‌شود که می‌تواند مقدمه ورود به انواع تلویحات باشد.

پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهند که بررسی تلویح و انواع آن در فارسی بسیار کم‌رنگ است و این مقاله می‌تواند به‌طور خاص بر روی انواع تلویح در فارسی محاوره‌ای متمرکز شود و جایگاه این شاخه از کاربردشناسی را در فضای علمی و دانشگاهی پررنگ‌تر سازد.

در بخش مطالعات پژوهشگران غیرایرانی می‌توان به صورت خلاصه به مواردی

چند اشاره کرد:

باخ^{۱۸} (۱۹۹۴) می‌گوید در تلویح فردی چیزی می‌گوید و بدین وسیله چیز دیگری منتقل می‌کند. به‌رحال تلویح موضوع گفتن چیزی است؛ اما منتقل کردن مفهومی دیگر، و پیامی را منتقل می‌کند که کاملاً مرتبط با آنچه گفته شده است. باخ نظریهٔ احیاشده‌ای از تلویح را ارائه نمی‌دهد. هدف او شرح این مطلب است که تمایز بین آنچه گفته شده و آنچه بدان اشارهٔ ضمنی شده است، جامع و کامل نیست. بین این دو سطحی دیگر وجود دارد که باخ آن را تلویح می‌نامد.

یول^{۱۹} (۱۹۹۶) معتقد است تلویح‌ها معمولاً در متن مکالمه هستند و استنباط‌ها را کسانی انجام می‌دهند که با شنیدن پاره‌گفت‌ها، سعی می‌کنند فرض تعامل وابسته به همکاری را رعایت کنند. از آنجاکه این تلویح‌ها بخشی از پیام‌ها هستند که به زبان نمی‌آیند؛ اما منتقل می‌شوند، گویندگان می‌توانند قصد رساندن چنین معنایی را انکار کنند. پس تلویح‌های محاوره‌ای قابل انکارند و به شیوه‌های مختلف می‌توان آن‌ها را صریحاً رد کرد و یا حتی استحکام بخشید. پس شنوندگان از طریق فرایند استنباط می‌توانند تلویح را ارزیابی کنند. بنابراین تلویح‌های محاوره‌ای را با توجه به ویژگی‌هایی که دارند می‌توان ارزیابی کرد، به حالت تعلیق درآورد و ابطال یا مستحکم کرد.

یول از تلویح‌های قراردادی سخن می‌گوید. تلویح‌های قراردادی لزوماً در بطن مکالمه رخ نمی‌دهند و تعبیرشان نیازمند بافت خاصی نیست. این گونه تلویح‌ها که شبیه پیش‌انگاشت‌های واژگانی هستند، به کلمات خاصی مربوط‌اند که در صورت به‌کارگیری آن کلمات معنای ضمنی اضافی حاصل می‌شود.

رکاناتی^{۲۰} (۱۹۸۹) مدلی را برای تفسیر زبانی پیشنهاد می‌کند. مدل او از جهاتی شبیه مدل باخ است. او هم شبیه باخ تلویح محاوره‌ای را از دیگر انواع استنباط کاربردشناسی جدا می‌سازد. رکاناتی از استنباط کامل گرایس استفاده نمی‌کند. رکاناتی هم شبیه باخ دو نوع فرعی از پردازش کاربردشناسی سطح پایین را از هم مجزا می‌کند. او این دو نوع را اشباع و تغییر و تعدیل می‌نامد. این‌ها تقریباً معادل تکمیل و گسترش باخ هستند.

لویسون^{۲۱} (۱۹۹۷) در کتاب بسیار مهم خود مفهوم تلویح محاوره‌ای را یکی از

مهم‌ترین مفاهیم در کاربردشناسی زبان می‌داند که به طور اختصار به آن تلویح می‌گوید. اهمیت و برجستگی این مفهوم در کاربردشناسی زبان به دلایل مختلفی است، از جمله ۱. تلویح یک نمونه جانشینی از ماهیت و قدرت تبیین‌های کاربردشناختی از پدیده‌های زبان‌شناختی است. این استنباط‌های کاربردشناسی می‌تواند خارج از سازمان‌دهی زبان یا ذیل اصول تبادل همکاری قرار گیرد. ۲. مورد دوم اینکه تلویح دلایل روشن و واضحی برای این حقیقت ارائه می‌دهد که می‌توان معنایی بیش از آنچه ارائه شده است، در نظر گرفت. لوینسون هم مشابه باخ ضرورتاً تابع گرایس است؛ اما می‌گوید نظریه گرایس به تغییر و تعدیل نیاز دارد تا کمکی باشد برای استنتاج آنچه گفته شده است. نکته مهم برای لوینسون عنصر غایب است. ادعا بر این است که این اصول عناصر غایب اکتشافی-استنتاجی هستند که سبب تفسیرهای عناصر غایب می‌شوند. لوینسون پیشنهاد می‌کند که اصول تولید تلویح محاوره‌ای به صورت خودکار در تفسیر پاره‌گفتار به کار می‌روند، مگر آنکه عامل متنی کاربرد آن را تحت شعاع قرار دهد.

آمارال و همکاران^{۲۲} (۲۰۰۸) در مقاله‌ای کتاب تأثیرگذار پاتس^{۲۳} را درباره معاشناسی تلویح محاوره‌ای بررسی کرده و شرحی درباره ابزارهای متنی تلویح ارائه داده‌اند و همچنین بر روی تلویحات محاوره‌ای تمرکز کرده‌اند که به آن مکمل گفته می‌شود.

سایمونز^{۲۴} (۲۰۰۹) در مقاله‌ای ابتدا تلویح محاوره‌ای گرایس را به طور دقیق بررسی می‌کند، سپس به بررسی تاریخیچه تحقیق تلویح سنجشی می‌پردازد. در مقاله وی تعدادی از موارد تلویح مکالمه‌ای ارائه شده و در پایان با دیدگاه‌های رسمی نسبت به تلویح، نتیجه‌گیری شده است.

موسچلر^{۲۵} (۲۰۱۰) در این مقاله می‌گوید که هدف کاربردشناسی مطالعه کاربرد زبان در متن است و ابعاد آن عموماً به‌عنوان مکمل حوزه زبان در نظر گرفته می‌شود و به بررسی سیستم‌های زبانی می‌پردازد که شامل ساختارهای صوتی (نحوی-آوایی) و ساختارهای محتوایی (معنایی) می‌شود. در این مقاله او به تعریف و بررسی تلویح محاوره‌ای عام و تلویح قراردادی می‌پردازد. او تلاش می‌کند ویژگی‌های معنای غیرصریح (پیش‌فرض و تلویح) را در تئوری معنایی عام بیان کند. درنهایت به تئوری

کشف و توصیف انواع تلویح در فارسی محاوره‌ای... سهیل روزبه و همکاران

نسبیت می‌پردازد و می‌گوید تئوری نسبیت تصویر لایه‌ای معنا را ارائه می‌دهد و همچنین استنتاج کاربردشناسی در سطح معنای صریح و غیرصریح دخالت دارد. او می‌گوید سطح تلویح شامل دو نوع معنای ضمنی است: ۱. فرض تلویحی، ۲. نتیجه‌گیری تلویحی.

آتاناسو^{۲۶} (۲۰۱۴) در رسالهٔ دکتری خود پردازش تلویحات سنجشی را بررسی می‌کند. او بر روی کمیت نماها و افعال ناقص بررسی‌هایی انجام داده است. آتاناسو در آزمایشات خود نشان می‌دهد که به طور طبیعی دسترسی به تلویحات سنجشی سریع است. در این اثر محاسبهٔ تلویح مدرج، ترکیبی از استدلال گرایس و به‌کارگیری دانشی است که قبلاً فراگرفته شده است. او می‌گوید مردم کاربران پیچیدهٔ زبان هستند. آن‌ها متکی بر راهبردهای متعددی در درک زبان و به‌خصوص درک تلویحات مدرج هستند. همچنین وی بیان می‌کند که درک تلویح براساس ترکیبی از به‌کارگیری اصول همکاری در مکالمه و همچنین تجربهٔ زبانی است.

۳. مبانی نظری و روش تحقیق

۳-۱. کاربردشناسی

به اعتقاد یول (۲۰۰۰) کاربردشناسی به این امر می‌پردازد که چگونه شنونده برای دستیابی به تفسیر و تعبیری مناسب از معنای مورد نظر گوینده از گفته‌های وی استنتاج می‌کند. این نوع بررسی معنا، به چگونگی تشخیص انبوهی از ناگفته‌ها از لابه‌لای گفته‌ها می‌پردازد. کاربردشناسی مطالعهٔ معنابافتی است و عمدتاً با تحلیل منظور افراد از پاره‌گفت‌هایشان سروکار دارد و کمتر به معنی خود کلمات یا عباراتی که به کار می‌رود، می‌پردازد. هر منطقه و فرهنگی ویژگی‌های زبانی خاصی دارد و شاید در طول زمان تغییر کند. برای مثال اصطلاحات و تعابیر جنگ در زمان خودش معمولاً اصطلاحاتی بودند که معنای اصلی و صریح خود را از دست داده بودند و معنای ضمنی دیگری متأثر از جبهه بر آن‌ها افزوده شده بود (شمشیرگرها، ۱۳۹۴: ۱۶۷).

۳-۲. بافت^{۲۷}

بافت به درک معنای ویژه از هر کلمه، عبارت و غیره کمک می‌کند و معنای بافتی آن معنایی است که هر عنصر زبانی در بافت کسب می‌کند. معنای یک واژه یا عبارت از بافتی به بافت دیگر می‌تواند متفاوت باشد. بافت مجموعه‌ای نظام‌مند و مرکب از عوامل شناختی، اجتماعی، فرهنگی، فیزیکی، زیستی، مادی و ... است. در همه شرایط موجود و ممکن مرتبط اعم از زبانی (کلامی) و فرازبانی (غیرکلامی)، پیرازبانی و شرکت‌کنندگان دخیل در تولید و تفسیر و تحلیل‌گفتمان را بافت گویند.

براساس این تعریف، بافت را می‌توان به دو نوع زبانی و غیرزبانی (فرازبانی، پیرازبانی و شرکت‌کنندگان) تقسیم کرد. به بافت زبانی «هم بافت» می‌گویند. در این نوع بافت روابط ارجاعی به عبارات زبانی در درون متن محدود می‌شوند. بافت غیرزبانی را بافت فیزیکی، محیطی یا بافت اجتماعی و یا بافت موقعیت نیز می‌نامند. بافت موقعیت عاملی تعیین‌کننده و بسیار مؤثر در تحلیل‌گفتمان است؛ زیرا معانی و تفسیر در بافت موقعیت قابل دستیابی است (یول و برآون، ۱۹۸۹).

۳-۳. پیش فرض^{۲۸}

پیش فرض عبارت است از مفروضاتی که گوینده یا نویسنده درباره شخص دریافت‌کننده پیام دارد و یا به اطلاعات مشترک گوینده و شنونده و نویسنده و خواننده درباره یک موضوع گفته می‌شود. این گوینده است که پیش فرض دارد نه جمله یا پاره‌گفتار. هفت نوع پیش فرض وجود دارد (یول، ۲۰۰۰).

۳-۴. استنباط^{۲۹}

نوع تفسیر و برداشت از گفته گوینده را استنباط می‌گویند. همان‌گونه که پیش فرض گوینده محور است، یعنی این گوینده است که حقیقتی را پیش فرض می‌دارد، استنباط متعلق به شنونده است؛ یعنی این شنونده است که استنباط می‌کند و استنباط شنونده محور است (آقاگل‌زاده: ۱۳۹۲: ۳۰).

۳-۵. نظریه کنش گفتاری^{۳۰}

کشف و توصیف انواع تلویح در فارسی محاوره‌ای... _____ سهیل روزبه و همکاران

جان آستین^{۳۱} بیان می‌کند هر جمله‌ای که ما بیان می‌کنیم در واقع هم‌زمان دست به سه عمل گفتاری می‌زنیم و این سه عمل عبارت‌اند از: ۱. کنش بیانی، ۲. کنش منظوری (کاربردشناختی)، ۳. کنش تأثیری.

۱-۳-۵. کنش بیانی^{۳۲}

کنش بیانی عمل اصل سخن گفتن یا تولید یک عبارت زبانی‌شناختی معنادار شمرده می‌شود (لویسنون، ۱۹۹۷: ۲۳۶).

۲-۳-۵. کنش منظوری^{۳۳}

معمولاً با تولید یک پاره‌گفت، کارکردی را نیز برای آن در نظر داریم. برای مثال ممکن است هدف از بیان پاره‌گفت توصیف، تعارف، توضیح و یا اهداف ارتباطی دیگری باشد که این وضعیت را بیشتر کنش منظوری پاره‌گفت می‌نامند (یول، ۲۰۰۰؛ یول و بران، ۱۹۸۹). البته کنش منظوری شنونده-محور است.

۳-۳-۵. کنش تأثیری^{۳۴}

تأثیری را که گوینده انتظار دارد بر شنونده بگذارد، کنش تأثیری می‌گویند (لویسنون، ۱۹۹۷: ۲۳۶). کنش تأثیری شنونده-محور است.

۶-۳. تلویح

تلویح یکی از ویژگی‌های مهم کاربردشناسی است که به انواع مختلف دسته‌بندی می‌شود. در این صورت سخنگو قصد خاصی از معنای منتقل‌شده دارد و معنایی فراتر از معنای لغات بیان‌شده مدنظر است (یول و براون، ۱۹۸۳: ۳۳). کنایه هم می‌تواند نوعی تلویح شمرده شود. کاربرد کنایات رایج در میان توده مردم یکی از عوامل حلاوت و لطافت کلام است (مهدوی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۹۷).

۱-۳-۶. تلویح مکالمه‌ای عام

در صورتی که دریافت معنی منتقل‌شده اضافی در بافت کلام، نیازمند دانش ویژه‌ای نباشد، آن را تلویح مکالمه‌ای عام می‌نامند (یول، ۲۰۰۰).

۳-۶-۲. تلویح سنجشی

گوینده هنگام تولید یک پاره‌گفت، کلمه‌ای را از سنجحه برمی‌گزیند که حاوی بیشترین تا کمترین و صحیح‌ترین اطلاعات براساس وضعیت موجود (از نظر کمیت و کیفیت) است (یول، ۲۰۰۰: ۴۱). برای مثال وقتی می‌گوییم «در رشته زبان‌شناسی درس می‌خوانم و بعضی از دروس اصلی را گذرانده‌ام»، با انتخاب واژه «بعضی» در این جمله، گوینده تلویح «نه همه» را به طور ضمنی بیان می‌کند. تلویح سنجشی جزئی از تلویح مکالمه‌ای عام شمرده می‌شود.

۳-۶-۳. تلویح مکالمه‌ای خاص

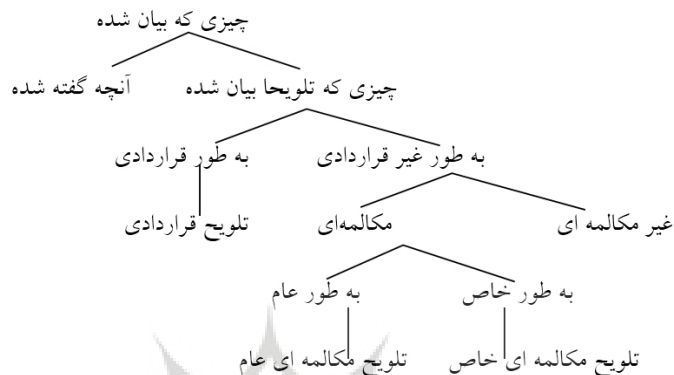
گفت‌وگوها در بیشتر مواقع در بافت‌های بسیار ویژه‌ای صورت می‌گیرند که در آن‌ها استنباط‌های موقعیتی مفروض‌اند. چنین استنباط‌هایی برای فهم معانی منتقل‌شده‌ای که منشأ آن‌ها تلویح‌های مکالمه‌ای خاص است، ضروری هستند. تلویح مکالمه‌ای خاص را با در نظر گرفتن دانش ویژه در بافت خاص ارزیابی می‌کنیم. تلویح‌های مکالمه‌ای خاص به مراتب رایج‌تر از انواع دیگر تلویح‌ها هستند (همان‌جا).

۳-۶-۴. تلویح قراردادی

به عقیده گرایس (۱۹۷۵: ۴۴) تلویح قراردادی براساس معنای قراردادی لغات استفاده‌شده مشخص می‌شود. خلاف تلویح‌های مکالمه‌ای، تلویح‌های قراردادی مبتنی بر اصول همکاری یا راهکارها نیستند. تلویح‌های قراردادی لزوماً در بطن مکالمه رخ نمی‌دهند و تعبیرشان نیازمند بافت خاصی نیست. این گونه تلویح‌ها- که بی‌شبهت به پیش‌انگاشت‌های واژگانی نیستند- به کلمات خاصی مربوط‌اند که در صورت به‌کارگیری آن کلمات، معانی ضمنی اضافی حاصل می‌شود. یکی از این واژه‌ها کلمه ربط «اما» است.

انواع تلویح را می‌توان در تئوری معنای گرایس به صورت طرح زیر خلاصه کرد:

نمودار ۱: تئوری معنای گرایس (سدوک^{۳۰}، ۱۹۷۸: ۲۸۳)



۳-۷. اصول همکاری گرایس

شرکت‌کنندگان در مکالمه سهم خودشان را در هر مرحله از مکالمه، مناسب با هدف یا جهتی که در آن قرار گرفته‌اند- آن طوری که ایجاب می‌کند- ادا کنند. گرایس این راهبردها را به چهار طبقه دسته‌بندی می‌کند: راهبرد کیفیت، راهبرد کمیت، راهبرد رابطه، راهبرد شیوه (یول، ۲۰۰۰؛ اسمیت و ویلسون، ۱۹۷۹؛ کاپلند، ۱۹۹۹؛ لوینسون، ۱۹۹۷). راهبردهای اصول همکاری می‌توانند سبب خلق تلویح شوند.

۳-۸. روش‌شناسی

این پژوهش مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی است که داده‌ها به شیوه میدانی از مکالمات روزمره مردم عادی کوچه و خیابان شهر تهران جمع‌آوری شده است. ۵۰ ساعت از گفت‌وگوهای فارسی‌زبانان در تهران در موقعیت‌های مختلف ضبط و انواع جملات تلویح‌دار از آنها استخراج شد. داده‌ها تحلیل و تبیین و انواع تلویح در فارسی محاوره‌ای دسته‌بندی شدند. سپس یافته‌ها و اطلاعات گردآوری شده براساس سؤال‌ها و فرضیه‌های پژوهش به صورت کیفی بررسی شدند. موقعیت‌ها عبارت بودند از محیط کار و ادارات (از قبیل بانک‌ها، ادارات آموزش و پرورش، دبیرستان‌ها، دانشگاه‌ها، اداره آب و فاضلاب، شهرداری منطقه ۳)، وسایل نقلیه عمومی (همانند مترو و اتوبوس شهری)، نشست‌ها و مهمانی‌ها، خانواده، خوابگاه دانشجویی، اماکن عمومی، شبکه

ارتباطی (تلویزیون، شبکه خبر) و ارتباط تلفنی.

۴. تحلیل داده‌ها

اساس تحلیل گفتمان و کاربردشناسی ارتباطات انسانی است. در گفت‌وگوها و مناظرات و تعاملات انسانی متن به وجود می‌آید. داده‌ها باید از نوع داده‌های واقعی زندگی روزمره اهل زبان باشد. در این تحقیق، داده‌ها به صورت استقرایی جمع‌آوری شدند و به صورت میدانی و استقرایی ضبط شدند. با تجزیه و تحلیل داده‌ها، شواهد نشان دادند که در فرایند تولید و درک کلام عواملی همچون معنای زبان‌شناختی، کاربردشناختی، بافت کلام، تأکید معنایی، پیش‌فرض‌ها، پیش‌زمینه‌ها، استلزام‌ها، تلویح‌ها و ... دخالت دارند.

همانطور که پیش‌ازین گفته شد هدف اصلی این پژوهش کشف و توصیف انواع تلویح و معانی تلویحی در فارسی محاوره‌ای است. با توجه به پیشینه تحقیق و ملاحظات نظری که در بخش قبل بیان شد، این بخش به داده‌های استخراج‌شده از گفت‌وگوهای مردم عادی اختصاص داده می‌شود که براساس سؤال‌های مطرح‌شده بررسی می‌شود. گفتنی است که پیکره مورد تحقیق مشتمل بر ۵۰ ساعت گفت‌وگوی فارسی‌زبانان در تهران در قالب مکالمه است که در این مقاله برای رعایت حجم به نمونه‌ای از داده‌ها اکتفا شده است. پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بافت موقعیت ۱: دو همکار در اداره آموزش و پرورش در حال صحبت با هم هستند. یکی از طرفین مکالمه از نظر جسمی بسیار ضعیف و نحیف است.

رابطه مشارکین: دو همکار و دوست

الف: میای پیاده بریم کربلا؟

ب: مگه دیوونه‌ام؟

معنای معناشناسی جمله نفر دوم: مگه عاقلم رو از دست دادم؟

معنای کاربردشناسی یا پیام مورد نظر جمله نفر دوم: خیر. نمی‌آیم.

تفسیر و تبیین کاربردشناسی: در این مکالمه پیام اضافه‌تر از صورت زبان‌شناختی یا همان معنای کاربردشناختی آن است که «من پیاده به کربلا نمی‌آیم». اگر با نگاه دقیق‌تر

بنگریم مشخص می‌شود که این جواب به ظاهر نامرتب، در حقیقت کاملاً با سؤال مرتبط است (نک: ۷-۳). در این حالت پاسخ نفر دوم تفکری را بر شنونده القا می‌کند. در اینجا از تلویح مکالمه‌ای خاص استفاده شده است (نک: ۳-۶-۳) و پیام اضافه‌تر از طریق استنباط درک می‌شود (نک: ۳-۴). با توجه به بافت موقعیت که پیام اضافه‌تر از صورت زبان‌شناختی وجود دارد و نیز وجود رابطه در این پرسش و پاسخ به صورت تلویحی و مرتبط و معنادار بودن پاسخ (ب) متأثر از بافت موقعیتی است که در تعریف کاربردشناسی مطرح شد که مطالعه معنای بافتی است (یول، ۱۹۹۶-۲۰۰۰). در این گفت‌وگو، چون نفر دوم فردی است که از نظر جسمی ضعیف است، پس عقل حکم می‌کند که نمی‌تواند این سفر سخت را پیاده برود و در جواب نفر اول این جمله را بیان می‌کند. در این مکالمه، با توجه به تفاسیر موجود، فرضیه اول تأیید می‌شود.

بافت موقعیت ۲: بعد از امتحانات پایان ترم و در فرجه تعطیلات بین دو ترم.

رابطه مشارکین: مادر و دختر

مکان و زمان: در منزل، یک شب زمستانی.

دختر: بابا بیکار بود و می‌توانست ما را به سینما ببرد.

مادر: «سکوت».

معنای معناشناسی: پدر می‌توانست ما را به سینما ببرد به علت اینکه او شب قبل بیکار بود.

معنای کاربردشناسی: پدر ما را به سینما نبرد با وجود اینکه بیکار بود.

تفسیر و تبیین کاربردشناسی: یکی از عناصر مهم در مکالمات بیان وجه است. این مکالمه به انجام عمل در گذشته دلالت دارد که بیانگر این است که کاری می‌توانست انجام شود، اما نشد. در این پاره‌گفت دختر افسوس می‌خورد که چرا پدر او و برادرش را به سینما نبرده و فرصتی از دست رفته است. در اینجا از تلویح مکالمه‌ای خاص استفاده شده است (نک: ۳-۶-۳) و پیام اضافه‌تر از طریق استنباط درک می‌شود (نک: ۱-۳). در این جمله از هر سه کنش بیانی، منظوری و تأثیری استفاده شده است (نک: ۳-۵). با توجه به بافت موقعیت در این مکالمه (بافت زبانی و غیرزبانی) که در گفتمان بسیار تأثیرگذار است (نک: ۳-۲) از تحلیل‌های انجام‌شده می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه اول

تأیید می‌شود.

بافت موقعیت ۳: یکی از افراد می‌خواهد به سوئد برود و از فرد دیگری که چند وقت پیش آنجا بوده است، اطلاعاتی درباره سوئد می‌گیرد.

رابطه مشارکین: دو نفر از افراد فامیل.

مکان: در مهمانی.

الف: یوتبوری شهر قشنگی است؟

ب: شهر شهره دیگه.

معنای معناشناسی جمله ب: یوتبوری یک شهر است.

معنای کاربردشناسی جمله ب: یوتبوری یک شهر معمولی است، مثل شهرهای دیگر.

تفسیر و تبیین کاربردشناسی: با نگاه معناشناسی اگر بخواهیم پاسخ داده‌شده را تحلیل کنیم، باید بگوییم این پاسخ نوعی «همان‌گویی» است. «شهر شهره دیگه»، یعنی در واقع پاسخی که دارای معنای مورد نظر پرسش‌کننده باشد، نداده است و به عبارت دیگر، پاسخ داده‌شده فاقد معناست و از نظر راهبردهای گرایس هم ظاهراً با پاسخ همان‌گویی همکاری لازم را با پرسش‌کننده نکرده است و اصل همکاری گرایس (نک: ۷-۳) نقض شده است. اگر از منظر کاربردشناسی زبان پاسخ داده‌شده را تفسیر و تحلیل کنیم باید گفت که این پاسخ دارای معنا و معانی بیش از صورت زبانی به کار رفته است. ثانیاً پاسخ‌دهنده همکاری لازم را با پرسش‌کننده داشته و اصل همکاری گرایس (نک: ۷-۳) هم نقض نشده است. اصولاً گوینده انتظار دارد که شنونده نیت ارتباطی او را بفهمد. در این فرایند معمولاً وضعیت حاکم بر پاره‌گفت گوینده و شنونده و بافت (نک: ۳-۲) تأثیر می‌گذارد. این رخدادهای گفتاری (نک: ۵-۳) است که تعیین می‌کند یک پاره‌گفت به‌منزله یک کنش گفتاری تفسیر شود. در این گفت‌وگو گوینده (ب) با رعایت اصل همکاری (نک: ۷-۳) قصد دارد پیامی را اضافه‌تر از لغایت بیان‌شده به طرف مقابل برساند. پیام در این گفتار الزاماً فراتر از معنای خود کلمات است و نوعی معنای اضافی به‌شمار می‌آید که به آن تلویح می‌گوییم (نک: ۶-۳). در اینجا گوینده از شنونده انتظار دارد که براساس اطلاعاتی که از قبل در اختیار دارد، این تلویح را

دریابد. در این تلویح شاید منظور گوینده (ب) این بوده که نظر خوب یا بدی درباره آن شهر ندارد. اگر جنبه‌های بافتی متعدد را در نظر بگیریم شاید معناهای کاربردشناسی دیگری مد نظر باشد؛ اما اصل وجود همکاری در این نوع تلویح‌ها (نک: ۷-۳) ضروری است. در اینجا شاید فرد نمی‌خواهد ذهن فرد مقابل را مشوش کند یا به او حقه بزند یا اطلاعاتی را از او دریغ کند. در این گفت‌وگو از تلویح مکالمه‌ای خاص استفاده شده (نک: ۳-۶-۳) به علت اینکه برای درک آن نیاز به دانش ویژه‌ای در بافت است. با توجه به توضیحات کاربردشناسی، فرضیه اول تأیید می‌شود.

بافت موقعیت ۴: پدر برگه امتحانی فرزندش را در خانه می‌بیند و عصبانی می‌شود.

رابطه مشارکین: زن و شوهر.

پدر: باز هم خراب کرد.

مادر: سربه‌سرش نگذار.

معنای معناشناسی جمله پدر: دوباره امتحانش را خراب کرد.

معنای کاربردشناسی جمله پدر: قبلاً هم امتحانش را خراب کرده بود.

تفسیر و تبیین کاربردشناسی: لغت «باز هم» قیدی است که اضافه‌تری از معنای عادی خود دارد (نک: ۳-۳). در اینجا از پیش‌فرض واژگانی استفاده شده است. گاهی خود قیود ویژگی خاصی دارند و به‌عنوان واژه منطقی‌ای استفاده می‌شوند که معنای اضافه‌ای دارد (نک: ۱-۳). در این گفت‌وگو از تلویح قراردادی استفاده شده است. تلویح‌های قراردادی مبتنی بر اصول همکاری یا راهکارها نیستند (نک: ۴-۶-۳). آن‌ها به کلمات خاص مربوط می‌شوند و تعبیرشان نیازمند بافت خاصی نیست و در صورت به‌کارگیری این کلمات معنای ضمنی اضافی حاصل می‌شود. به عقیده گرایس (۱۹۷۵: ۴۴) تلویح قراردادی بر طبق معنای قراردادی لغات استفاده‌شده مشخص می‌شود.

با توجه به توضیحات کاربردشناسی، فرضیه اول تأیید می‌شود.

بافت موقعیت ۵: روز بعد از تشییع جنازه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی دو دوست در

اتوبوس واحد در حال صحبت با هم هستند.

رابطه مشارکین: دو دوست.

مکان و زمان: در اتوبوس، روز بعد از تشییع جنازه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی،
۹۵/۱۰/۲۲.

الف: تشییع جنازه خیلی شلوغ بود؟

ب: همه مردم تهران آمده بودند تشییع جنازه.

معنای معناشناسی جمله ب: همه مردم تهران آمده بودند تشییع جنازه.

معنای کاربردشناسی جمله ب: این جمله نشان می‌دهد که افراد زیادی در خیابان بودند؛ اما ۱۳ میلیون جمعیت تهران در تشییع جنازه شرکت نکرده بودند.

تفسیر و تبیین کاربردشناسی: درک تلویح سنجشی براساس ترکیبی از به‌کارگیری اصول همکاری در مکالمه و همچنین تجربه زبانی است. در این نوع تلویح انتخاب واژه‌ای که بیانگر یکی از روش‌های وابسته به یک سنجه باشد، همواره اطلاعات خاصی را به دست می‌دهد (نک: ۲-۶-۳).

بنابر مکالمه موجود و تفاسیر کاربردشناسی آن، فرضیه اول تأیید می‌شود.

بافت موقعیت ۶: دو همکلاسی در کلاس دانشگاه نشسته‌اند و قبل از ورود استاد در حال صحبت با هم هستند.

رابطه مشارکین: همکلاسی (دانشجو).

زهره: چه موقع به سینما رفتی؟

مریم: دو شب قبل.

معنای معناشناسی جمله زهره: چه وقتی به سینما رفتی؟

معنای کاربردشناسی: می‌دانم که به سینما رفته‌ای اما چه موقع بوده است؟

تفسیر و تبیین کاربردشناسی: در این گفت‌وگو از تلویح مکالمه‌ای خاص استفاده شده است (نک: ۳-۶-۳). ساخت‌های پرسشی توضیحی یا پرسش‌واره بیانگر آن است که کاری انجام پذیرفته است و انجام عمل را پیش‌فرض می‌گیریم (نک: ۳-۳). پیش‌انگاشت جمله زهره این است که کاری انجام شده است و وجود انجام کاری حقیقت دارد. در واقع مشخص است که زهره (گوینده) پیش‌فرض را فرض کرده است، به همین علت مشخص است که پیش‌فرض گوینده محور است. در اینجا از پیش‌فرض ساختاری (دستوری) استفاده شده است (نک: ۳-۳). این‌گونه پیش‌فرض‌ها بیانگر مفاهیم ناگفته‌ای

کشف و توصیف انواع تلویح در فارسی محاوره‌ای... _____ سهیل روزبه و همکاران

است که اطلاعات موردنظر را پیش‌فرض تلقی می‌کند. با توجه به توضیحات کاربردشناسی، این مکالمه فرضیه‌های اول و دوم را تأیید می‌کند.

بافت موقعیت ۷: در یک دبیرستان دخترانه مهین و فاطمه یک ساعت قبل باهم جروب‌بحث کرده‌اند و در حالی که مهین برای چند ثانیه به چشمان فاطمه زل زده است، این مکالمه پدید می‌آید.

رابطه مشارکین: دو دختر هم‌کلاسی.

فاطمه: از جون من چی می‌خوای؟

مهین: وای این چه حرفیه که می‌زنی. من که باهات کاری ندارم.

معنای معناشناسی: جمله فاطمه از جان من چی می‌خواهی؟

معنای کاربردشناسی: جمله فاطمه چرا من رو رها نمی‌کنی و تنها نمی‌گذاری؟

تفسیر و تبیین کاربردشناسی: در این گفت‌وگو فاطمه از اصطلاحی استفاده می‌کند که عصبانیت خودش را از زل‌زدن مهین به چشمانش بیان می‌کند. کاربردشناسی همراه معنی‌شناسی و نحو سبب می‌شوند نشانه‌شناسی به‌وجود آید. کاربردشناسی مطالعه معنای بافتی است و بیشتر با تحلیل منظور افراد از پاره‌گفتشان سروکار دارد و کمتر به معنی خود کلمات یا عباراتی که به‌کار می‌رود، می‌پردازد (نک: ۱-۳). در اینجا مشخص می‌شود که اصطلاحات هم می‌توانند در قالب تلویح به‌کار بروند. در این گفت‌وگو کنش بیانی (نک: ۱-۳-۵) سبب خلق کنش منظوری (نک: ۲-۳-۵) و کنش تأثیری (نک: ۳-۵) شده است. این‌گونه تلویحات را به‌عنوان تلویح مکالمه‌ای خاص در نظر می‌گیریم؛ زیرا برای استنباط معنای اضافی به دانش خاصی در بافت نیاز است (نک: ۳-۶-۳). با توجه به توضیحات کاربردشناسی در این مکالمه فرضیه‌های اول و دوم تأیید می‌شوند.

بافت موقعیت ۸: پسر ۵ ساله‌ای از سطل ماست با قاشق خودش در حال خوردن

است که مادرش سر می‌رسد.

رابطه مشارکین: مادر و فرزند.

مکان و زمان: در منزل بعد از ناهار.

مادر به فرزند: چرا این کار را کردی؟ چرا قاشق خودت را در ظرف ماست زدی؟

فرزند: فرار می‌کند و بدون اینکه چیزی بگوید داخل اتاقش می‌رود.

معنای معناشناسی: چرا با قاشق خودت از ظرف ماست خوردی؟

معنای کاربردشناسی: نباید با قاشق خودت از ظرف ماست، ماست می‌خوردی. تفسیر و تبیین کاربردشناسی: در این گفت‌وگو از تلویح محاوره‌ای خاص استفاده شده (نک: ۳-۶-۳). ساخت‌های پرسشی توضیحی یا پرسش‌واژه بیانگر این هستند که کاری انجام پذیرفته است و انجام عمل را پیش‌فرض می‌گیریم (نک: ۳-۳). اگر زمان را از زمان حال در نظر بگیریم و آنچه را قبل از آن و بعد از آن است، زمان گذشته و آینده بدانیم، آنچه گوینده فرض نماید پیش از زمان حال یا زمان بیان مطلب حقیقت دارد. چنین فرضی را پیش‌فرض یا پیش‌انگاشت می‌نامیم. همان‌طور که مشخص است پیش-فرض گوینده‌محور است، یعنی در واقع آن حقیقت پیش‌فرض شده است و پیش‌فرض ساختاری محسوب می‌شود (نک: ۳-۳). این‌گونه ساخت دستوری بیانگر مفاهیم ناگفته‌ای است که اطلاعات مورد نظر را پیش‌فرض تلقی می‌کنیم. با توجه به توضیحات کاربردشناسی و با توجه به این مکالمه فرضیه‌های اول و دوم تأیید می‌شوند.

بافت موقعیت ۹: قابلمه شیر در حال جوشیدن در آشپزخانه است.

رابطه مشارکین: زن و مرد.

مکان: در منزل.

شوهر به زن: پای گاز هستی؟ اگر شیر سر برود بوی آن کل خانه را فرا می‌گیرد.

زن: آره. نگران نباش.

معنای کاربردشناسی جمله مرد: مراقب ظرف شیر باش که سر نرود.

معنای کاربردشناسی جمله زن: مراقب هستم شیر سر نرود.

تفسیر و تبیین کاربردشناسی: هرگاه زمینه، از پاره‌گفت‌ها یا طرفین ارتباط (گوینده و شنونده) تشکیل شود، با مفهوم پیش‌فرض کاربردشناسی مواجه هستیم (نک: ۳-۳). موقعیتی که در نظر می‌گیریم در آن زن در آشپزخانه در حال کارکردن است، در حالی-که شوهر در اتاق نشیمن نشسته است و به زن این جمله را می‌گوید. در این حال زن بدون تردید کنشی انجام می‌دهد و به طرف گاز می‌رود (نک: ۳-۵). چنین دانش و تجربه روزمره خارج از زبان که از طریق متن قابل پیش‌بینی است (نک: ۳-۲) و شاید هم مورد سوء تفاهم قرار گیرد؛ به آن پیش‌فرض کاربردشناسی می‌گویند (نک: ۳-۳). در اینجا

کشف و توصیف انواع تلویح در فارسی محاوره‌ای... _____ سهیل روزبه و همکاران

دانش عمومی پیش شرط قرار می‌گیرد و مبنا را تجربیات مشترک، عقاید، ارزش‌ها و آگاهی‌ها در نظر می‌گیریم. در این گفت‌وگو از تلویح مکالمه‌ای خاص استفاده شده است (نک: ۳-۶-۳)؛ زیرا برای درک آن نیاز به دانش ویژه‌ای در بافت است. با توجه به توضیحات کاربردشناسی، فرضیه اول تأیید می‌شود.

بافت موقعیت ۱۰: آرمان و رضا قرار است که روز بعد به پیاده‌روی بروند.

رابطه مشارکین: دو پسرعمو.

مکان و زمان: در پشت خط تلفن، شب قبل از پیاده‌روی.

آرمان: فردا هوا قراره چطور باشه؟

رضا: چترت رو با خودت بیاور.

معنای معناشناسی جمله رضا: چترت را با خودت بیاور.

معنای کاربردشناسی جمله رضا: معنای اضافی جمله رضا بیانگر این است که احتمال دارد باران بیارد.

تفسیر و تبیین کاربردشناسی: براساس استنتاج انجام‌شده، بی‌ربط بودن ظاهری پاسخ رضا منتفی می‌شود؛ زیرا رضا تلویح انجام‌شده را براساس استنتاج و معنای کاربردشناسی درک می‌کند. اصل همکاری برای توجیه رابطه صورت و بار منظوری کلام به‌ویژه در مواردی که معنای معناشناسی دچار سردرگمی می‌شود، بسیار مطلوب است (نک: ۳-۷).

بر طبق مکالمه موجود و تفاسیر کاربردشناسی آن، فرضیه اول تأیید می‌شود.

۵. نتیجه‌گیری

در این پژوهش، ۵۰ ساعت از مکالمات مردم تهران در ۱۳ موقعیت مختلف ضبط و ثبت شد. بعد از بررسی این مکالمات ۱۱۰ مورد از جملات تلویح‌دار استخراج شد و مورد تحلیل و بررسی قرار گرفتند. بافت موقعیت و فرهنگ عاملی تعیین‌کننده و بسیار مؤثر در تحلیل مکالمات بودند؛ زیرا معانی و تفاسیر در بافت موقعیت قابل دستیابی بودند. درک صحیح پاره‌گفت‌های تلویح‌دار نیاز به استنباط و استنتاج درک گزاره دارد و از نظر عقلانی معنای آن پیچیده‌تر از معنای صرفاً بیان‌شده است. این فرایند از شناخت

تحلیل‌گر به وجود می‌آید و به طور عقلانی منظور سخنگو آن چیزی نیست که صرفاً بیان شده است. استنباط‌ها مقید به بافت هستند و با توجه به هدف و قصد سخنگوی خاص درک می‌شوند. در مواردی دیده شده است که حتی شنونده در موقعیت‌هایی نتوانسته بخشی یا همه تلویحات سخنگو را درک کند. پس شاید بتوان بیان کرد که ارتباط موفق یک مفهوم مطلق نیست.

در این پژوهش مشخص شد که نقض چهار راهکار کیفیت، کمیت، ارتباط و شیوه بیان سبب به وجود آمدن معنای ثانویه شده که مقدمه ورود به انواع تلویحات است. معنای تلویحی در زبان فارسی به صورت تلویح مکالمه‌ای عام، تلویح سنجشی، تلویح مکالمه‌ای خاص و تلویح قراردادی بازنمایی می‌شود؛ اما بیشترین جملات تلویح‌دار را تلویح مکالمه‌ای خاص تشکیل می‌دهند، زیرا این گونه تلویح‌ها را باید با در نظر گرفتن دانش ویژه در بافت خاص ارزیابی کرد. تفاوت بین تلویح مکالمه‌ای عام و خاص تنها موضوع درجه وابستگی به بافت است، از این رو تمایزی قاطع و بدون چون و چرا نیست. همچنین ساخت‌های دستوری همچون جملات شرطی و ساخت پرسش‌های توضیحی (پرسش‌واژه) می‌تواند در به وجود آوردن متون دارای معانی تلویحی تأثیرگذار باشد.

در این بررسی مشخص شد که شکسته‌نفسی، کنایه و متلک‌گویی هم می‌تواند به تولید جمله تلویح‌دار منجر شود. همچنین مشخص شد که در بعضی از تلویح‌گویی و مستقیماً چیزی را بیان نکردن از بار منفی و آمرانه جمله می‌کاهد و جمله خوشایندتر جلوه می‌کند و حتی تلویحات مکالمه‌ای در زیباشناختی کلام سهم زیادی دارند. در این پژوهش مشخص شد که دسترسی به تلویحات سنجشی سریع اتفاق می‌افتد، برای مثال زمانی که فرد از عبارت «بعضی از پسران» استفاده می‌کند، فوراً با فرضیه عناصر غایب مرتبط می‌شود و در ذهن فرد «تعدادی از پسران» نه «همه پسران» استنتاج می‌شود؛ اما در تلویحات مکالمه‌ای خاص در بعضی از موارد شنونده با خودش فکر می‌کند که منظور گوینده از این جمله چه بود و وارد فرایند استنباط می‌شود.

تلویح در بیشتر زبان‌ها و گویش‌ها به خصوص فارسی‌زبانان تهران نقش مهمی در گفتمان دارد و همچنین استنباط آن از طرف شنونده بسیار مهم است. نتایج این بررسی

کشف و توصیف انواع تلویح در فارسی محاوره‌ای... _____ سهیل روزبه و همکاران

هر دو فرضیه را تأیید کرد و نشان داد که در فارسی هم معنای تلویحی به صورت تلویح مکالمه‌ای عام، تلویح سنجشی، تلویح مکالمه‌ای خاص و تلویح قراردادی بازنمایی می‌شود و همچنین ساخت‌های دستوری همچون جملات شرطی و ساخت پرسش‌های توضیحی می‌تواند در به‌وجود آوردن متون دارای معانی تلویحی تأثیرگذار باشد. برای مثال در جمله شرطی «اگر دیشب می‌تونستم بخوابم، قطعاً امروز امتحانم رو خراب نمی‌کردم» تلویحاً بیانگر این است که فرد موردنظر شب گذشته نتوانسته بخوابد و به خاطر همین کمبود خواب، امتحانش را خوب نداده است. به این نوع جملات شرطی، شرطی‌های غیرممکن گفته می‌شود که تلویحاً بیانگر موارد خاصی هستند. همچنین ساخت پرسش‌های توضیحی بیانگر تلویح هستند و مورد خاصی را پیش‌فرض می‌گیرند. برای مثال در جمله سوالی «چرا این کار را کردی؟» پیش‌فرض این است که کاری صورت پذیرفته است.

پی‌نوشت‌ها

1. conversation
2. Grice
3. pragmatics
4. Green
5. implicature
6. Generalized conversational implicature
7. scalar implicature
8. particularized conversational implicature
9. conventional implicature
10. wh.questions
11. Leech's politeness principle
12. cooperative principle
13. face saving act
14. quality
15. quantity
16. relation
17. manner
18. Bach
19. Yule
20. Recanati
21. Levinson
22. Amaral & et al.

23. Chis Potts
24. Simons
25. Moeschler
26. Dimka Atanassov
27. context
28. presupposition
29. inference
30. speech act theory
31. John Austin
32. Locutionary act
33. Illocutionary act
34. perlocutionary act
35. Sadock

منابع

- آفاگل‌زاده، فردوس (۱۳۹۲). فرهنگ توصیفی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی. تهران: انتشارات علمی.
- پاکروان، حسین (۱۳۸۴). «تحلیل منظورشناختی محاوره فارسی». مجله علوم اجتماعی و علوم انسانی. دانشگاه شیراز. ش ۱. صص ۵۶-۸۲.
- پیمانی، محسن (۱۳۷۶). تجزیه و تحلیل‌های منظوره‌های ضمنی در مکالمات قرآن مجید. پایان‌نامه ارشد. دانشگاه شیراز.
- حبیبی، مریم (۱۳۹۳). رابطه میان صراحت و پوشیدگی کلام (استفاده از ساختمان‌های گفتمان‌مدار) با جنسیت و تحصیلات در گفت‌وگوهای چهره‌به‌چهره جامعه فارسی‌زبان ساکن تهران. دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات تهران.
- خیرآبادی، رضا (۱۳۹۱). «نقص تخطی از اصول گرایس در ایجاد نسل جدید لطیفه‌های ایرانی». فصلنامه زبانی. ش ۱۵. صص ۲۹-۵۳.
- شمشیرگرها، محبوبه (۱۳۹۴). «ویژگی‌های گونه زبانی خرده‌فرهنگ جبهه». فرهنگ و ادبیات عامه. س ۳. ش ۶. صص ۱۵۵-۱۸۲.
- صفوی، کوروش (۱۳۹۳). آشنایی با نشانه‌شناسی ادبیات. تهران: انتشارات علمی.
- عظیما، نسترن (۱۳۹۱). بررسی نقش جنسیت بر رفتار کلامی فارسی‌زبانان بر اساس اصول همکاری گرابی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- مهدوی، بتول و همکاران (۱۳۹۴). «کاربرد زبان عامیانه یکی از خصائص سبکی منشآت قائم‌مقام». فرهنگ و ادبیات عامه. س ۳. ش ۵. صص ۱۸۵-۲۰۸.
- Amaral, P. & et al. (2007). *Review of the Logic of Conventional*

- Implicatures by Chis Potts*. The Ohio State University. Columbus, OH, USA.
- Atanassov, D. (2014). *Processing Strategies for Scalar Implicatures*. A Dissertation in Linguistics. University of Pennsylvania.
 - Bach, K. (1994). *Conventional Implicature*. *Mind and Language*.9: 124-62.
 - Bart, G. & N. Pouscoulous (2009). "Embedded Implicatures?". *Semantics and Pragmatics*. Vol. 2. pp. 1-34.
 - Brown, G. & G. Yule (1983). *Discourse Analysis*. Cambridge University Press.
 - Garrett, P. (2010). *Attitude to Language*. Cambridge: Cambridge University Press.
 - Gazdar, G. (1979). *Pragmatics: Implicature, Presupposition and Logical Form*. New York: Academic press.
 - Green, G. (1996). *Pragmatics and Natural Language Understanding*. Lawrence Erlbaum Association.
 - Grice, H. P. (1975). *Logic and Conversation*. New York: Academic Press.
 - Hirschberg, J. (1991). *A Theory of Scalar Implicature*. New York: Garland Publishing Company. (Ph.D. Dissertation, University of Pennsylvania).
 - Horn, L. R. (2007). *Implicatures. The Handbook of Pragmatics*. Blackwell Publishing Company.
 - Kasmirli, M. (2016). *Conversational Implicature: Re-assessing the Gricean Framework*. Dissertation of Ph.D in Linguistics, University of Sheffield.
 - Levinson, S. (2000). *Presumptive Meaning: The Theory of Generalized Conversational Implicature*. Cambridge, MA: MIT Press.
 - Levinson, S. (1997). *Pragmatics (reprinted)*. Cambridge: Cambridge University Press.
 - Mey, J. L. (2001). *Pragmatics, An Introduction*. Blackwell Publishing.
 - Moeschler, J. (2010). *Conversational and Conventional Implicatures*. University of Geneva.
 - Papafragou, A. (2011). *Scalar Implicatures in Language acquisition : Some evidence from Modern Greek*. The 38th annual meeting of the Chicago Linguistics Society, Chicago, IL: University of Chicago press.
 - Politzer-Ahles, S. (2013). *Psycholinguistic and Nerolinguistic Investigations of Scalar Implicature*. Ph.D Dissertation, University of Kansas.
 - Recanati, F. (1989). "The Pragmatics of What is Said". *Mind and Language*. No. 4. pp.295-329.
 - Simons, M. (2009). *A Gricean View on Implicatures*. Carnegie Mellon University.
 - Yule, G. (2000). *Pragmatics*. Oxford: Oxford University.



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښتی
پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان د علومو او معاشقو د مطالعاتو د مرستی
پرتال جامع علومو انسانی